



روزنامه صبح غرب کشور

صاحب امتیاز: مسعود جوادنل | مدیرمسئول: سید حسن قشمی | سردیر: زهره پورویابی
چاپ: پیام رسانه |نشانی تحریریه: همدان، خیابان پاستور، کوچه شهید عزیزیان، پلاک ۵۹

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۳۰ - ۰۸۱ | **امور مشترکین:** ۰۹۱۸۳۱۶۸۵۷۴ | صاحب امتیاز **روزنامه:** (۰۹۱۸۸۱۲۱۵۴) | **آگهی‌ها:** ۰۸۱ - ۳۸۲۵۴۰۴۰ | **پیامک:** ۳۰۰۰۱۸۱۸۶ | **ارتباط با تحریریه:** ۰۳۸۲۷۲۹۹۶ - ۰۸۱ | **دورنما:** ۰۸۱-۳۸۲۸۱۸۴۹ | **گستره توزیع:** استان‌های ایلام - کرمانشاه - کردستان - مرکزی - همدان |

امام علی علیه‌السلام فرمودند: دانش، میثرائی است گرانمایه و آداب، زیورهایی نو به نو و اندیشه، آینه‌ای صافی است.

www.sepehrgharb.ir Email: sepehrgharb.news@gmail.com sepehrgharb_live

پژوهشگر ادبیات تطبیقی دانشگاه حکیم سبزواری:

بخش عمده‌ای از نقاشی ایرانی مدیون ادبیات فارسی است

اشعار در دوره تیموری نقاشی می‌شدند

سپهرغرب، گروه دُرهای ذری – فاطمه فراقیان؛ ***سوئیتز *** شادپیروز با اشاره به پیوند عمیق ادبیات و نگارگری در ایران که از زمان تیموریان آغاز شده است، گفت: عینیت یافتن تعبیر و تشبیهات شاعران به‌صورت مستقیم در نقاشی و نگارگری این دوره را شاهد هستیم؛ البته پیوند ادبیات و نقاشی در دوره صفوی نمود بیشتری داشته است. ***سوئیتز ***

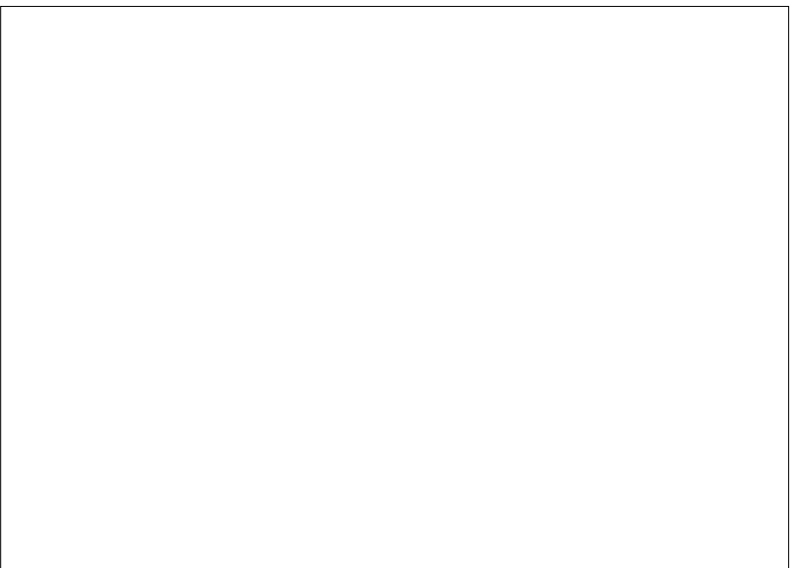
پژوهشگر ادبیات تطبیقی دانشگاه حکیم سبزواری با بیان اینکه بخش عمده‌ای از نقاشی ایرانی مدیون ادبیات فارسی است که الهام‌بخش نقاشان بسیاری بوده، گفت: شاهنامه اصلی‌ترین منبع نگارگری در ایران است.

دنیای آینده از آن مطالعات میان‌رشته‌ای است، این عقیده مهیار علوی‌مقدم، عضو هیئت‌علمی دانشگاه حکیم سبزواری بوده که می‌گوید: در دنیای سنت، هرکسی می‌توانست بر اساس توانایی خود، معارف و علوم را «رنجیپوارا» از آغاز تا پایان فرا گیرد. پیامد چنین فرآیندی، «حکیم‌پروریا» و تسلط بر همه دانش‌ها (حتی اگر به قدر ذره‌ای و اندکی) بود. تسلط افراد بر فلسفه، حکمت، کلام، طب، طبیعیات، حساب و هندسه، علم هیئت و نجوم و غیره، برآیند چنین رویکرد سنتی بود که علوم را از بن تا فراین و از ریشه تا ساقه و همه شاخه‌ها و تا انتها فرا می‌گرفتند تا درنهایت به حکیم‌پروری و علامه‌پروری می‌انجامید؛ اما در دنیای مدرن، در مسیر عبور از «دانشمند شدن» به «متخصص شدن»، لازم است اهل فن به جزئیات مسائل بپردازند و در یک رشته و یا زمینه، تخصص یابند و همین موضوع ضرورت روی آوردن به مطالعات میان‌رشته‌ای را در پی می‌کند. شاخه‌شاخه شدن دانش‌ها و برپایی رشته‌های دانشگاهی و تأسیس دانشگاه‌ها، ازجمله گام‌های مرتبط با رشته رشته شدن تخصصی دانشگاه‌ها و گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای بوده و ازاین‌رو بوده که دنیای آینده در همه عرصه‌ها، از آن مطالعات میان‌رشته‌ای و بینارشته‌ای است.

ازجمله بایستگی‌های مطالعات میان‌رشته‌ای در عرصه دانش و دنیای مدرن عبارت‌اند از: ارتقای سطح خلاقیت افراد، پیدایش عرصه‌های جدید علمی، واکاوی و شناخت خطاهای طرفداران رشته‌های علمی، حل بسیاری از مشکلات فکری، اجتماعی و علمی، بالا بردن سطح انعطاف‌پذیری پژوهشگران، زدوده شدن شکاف‌های ارتباطی بین متخصصان رشته‌های تخصصی، گسترش سطح عقلانیت و عدالت اجتماعی در جامعه، فرآیند تبدیل وحدت و یکپارچگی علوم به تجربه آن و تکرگرایبی، تخصصی شدن دانش‌ها در پی رشد و پیشرفت علوم.

ازاین‌رو است که امروزه مطالعات میان‌رشته‌ای به ضرورتی بایسته و اجتناب‌ناپذیر تبدیل شده است. این پیوند بینارشته‌ای صرفاً به حوزه علوم انسانی محدود نمی‌شود و در عرصه‌های علوم پایه، فنی و مهندسی نیز با دانش‌های نوینبایدی در حوزه مکاترونیک، بیوشیمی، علوم پزشکی، هیئت و نجوم، زیست‌شناسی، معماری و فناوری‌های نوین روبه‌رو هستیم؛ اما در این میان توجه و اهتمام به جایگاه مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی به‌ویژه ادبیات، چشمگیرتر است، چراکه پیوندهای تگاتنگی بین ادبیات با بسیاری از دانش‌ها وجود دارد و مطالعات میان‌رشته‌ای، امروز به نیازی اساسی در رشته‌های دانشگاهی و ضرورتی اجتناب‌ناپذیر در ایجاد پیوند بین ادبیات با جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، روان‌شناسی، حقوق، فلسفه و غیره، پیوند ادبیات با انواع هنرها و دانش‌های بشری و علوم طبیعی تبدیل شده است و موجب غنای هر دو حوزه می‌شود.

از آنجایی که مطالعات ادبیات تطبیقی با مطالعات میان‌رشته‌ای ارتباطی تنگاتنگ و دوسویه دارد، بی‌گمان ادبیات تطبیقی در ارتقای سطح مطالعات میان‌رشته‌ای نقش بسزایی دارد. پیوند بین ادبیات و دانش‌هایی مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و پیوند بین ادبیات با هنرهای گوناگون مانند سینما، تئاتر، نگارگری و نقاشی، پیکرتراشی و مجسمه‌سازی، موسیقی، معماری



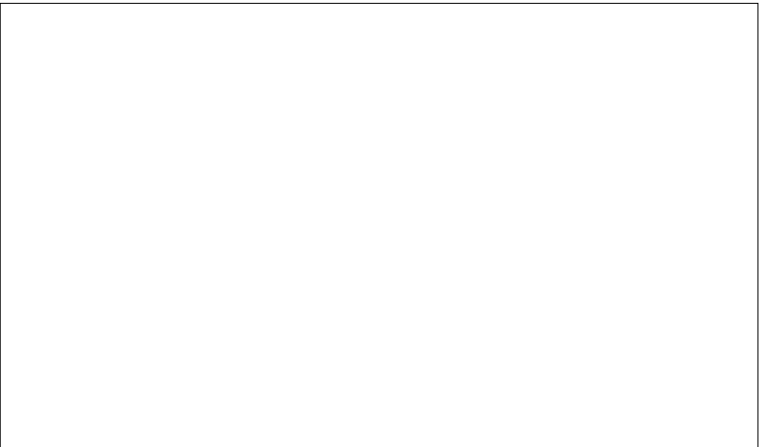
و شهرسازی و مطالعات فرهنگی موجب غنای هر دو حوزه می‌شود. مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه ادبیات، در چارچوب مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی جای می‌گیرد و بی‌گمان باید گفت دنیای ادبیات نیز در آینده از آن مطالعات میان‌رشته‌ای خواهد بود.

براساس نظریات استاد عالی‌قدر مهیار علوی‌مقدم در رابطه با ادبیات تطبیقی و بین رشته‌ای، بر آن شدیم تا چند شماره از صفحه درهای دری روزنامه سپهرغرب را به این موضوع و پژوهشگران این حوزه اختصاص دهیم؛ در شماره‌های قبل از ارتباط ادبیات و روان‌شناسی، سینما، فلسفه و نقد سیاساستعماری متون ادبیی گفتیم و در این شماره به سراغ یکی دیگر از پژوهشگران ادبیات تطبیقی دانشگاه حکیم سبزواری رفته‌ایم تا با ما از پیوند و ارتباط «ادبیات و نگارگری» بگوید. در ادامه مطالب گردآوری‌شده توسط این پژوهشگر در رابطه با موضوع مذکور را می‌خوانید:

دبیر دهمین جایزه قلم زرین:

جشنواره‌ها

تقویت‌کننده جریان‌های ادبی کشور هستند



سپهرغرب، گروه دُرهای ذری؛ رضا رسولی، نویسنده و از داوران پیشین جایزه قلم زرین اعطای جوایز ادبی را در معرفی و کشف استعدادهای جوان و معرفی آن‌ها به فضای ادبی کشور لازم می‌دانند.

رضا رسولی، با بیان اینکه این رویداد از جوایز شناخته‌شده ادبی به‌شمار می‌رود که سال‌هاست در گستره ادبیات کشور برگزار می‌شود، گفت: جشنواره قلم زرین طی دو دهه برگزاری مستمر خود تا به امروز آثار بسیار خوبی را به جامعه ادبی و فضای ادبیات کشور معرفی کرده است.

وی درباره تفاوت جایزه ادبی قلم زرین در قیاس با دیگر جوایز ادبی معتبر کشور عنوان کرد: تفاوت و تمایز این جشنواره با بسیاری دیگر از جوایز ادبی آن است که قلم زرین بر مسیر و مدار چارچوب‌ها و معیارهای جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی حرکت می‌کند و بنای این جایزه ادبی بر تقویت گفتمان جبهه فرهنگی انقلاب، ادبیات انقلاب و متعهد است.

دبیر دهمین جایزه ادبی قلم زرین با بیان اینکه انتظار می‌رود آثاری که به لحاظ روایت، محتوا و مضمون، رویکردی همسو در راستای تقویت باورها، ارزش‌ها و اصول انقلاب اسلامی داشته و بر این نمط تلاش بیشتری کرده باشند بیشترین امکان عرضه و معرفی را در این رخداد داشته باشند، افزود: پیشینه این رویداد نشان می‌دهد در برخی ادوار آثار بسیار درخشانی به برگزیدگان این جایزه به جامعه ادبی کشور معرفی شده‌اند.

رسولی درباره کیفیت داوری جایزه قلم زرین گفت: در تمام دوره‌ها داوران جشنواره قلم زرین را نویسندگان و شاعران شناخته‌شده‌ای تشکیل داده‌اند که خود، صاحب آثار قابل‌توجه



- یکشنبه ۴ تیر ۱۴۰۲**
- سال سیزدهم • شماره ۲۶۰۲**



مرا اسکن کنید

نماینده‌ی‌های سپهرغرب در استان‌ها

عاطفه آزاد پور (ایلام): ۴۹۰۴ ۹۴۳ ۰۹۱۸ فرزاد منتی (کرمانشاه): ۲۷۲۹ ۱۳۰ ۰۹۱۸ شیرین مرادی(کردستان): ۶۹۸۴ ۸۷۷ ۰۹۱۸ مبینا باحقی(مرکزی): ۴۹۰۹ ۱۷۹ ۰۹۹۰

نگاره‌های عاشقانه انتقال پیدا کرده‌اند؛ مانند سرو و غبره. این پژوهشگر با تصریح ارتباط بین خط و نقش که مقوم ارتباط نگارگری و ادبیات است، اظهار کرد: الف نشانه‌ای از قامت یار است و نمادهایی با شاخسته می‌شود؛ اشعار در این دوره نقاشی می‌شدند.

این پژوهشگر ادبیات تطبیقی با اشاره به تاریخچه هنر نگارگری در ایران، اذعان کرد: این تاریخچه به چهار دوره کهن که روزگار پیشاتاریخ تا دوران مغول را شامل می‌شود، دوره میانه که استیلای مغول بر ایران تا اواسط حکومت صفوی را شاهد هستیم، دوره جدید که دوران تحولات سده ۵۱۱.ق تا ۱۳.ه.ق است و دوره معاصر که اواسط حکومت قاجار و دوران مشروطه تا به امروز را در بر می‌گیرد، تقسیم می‌شود.

شادپیروز به مقوله ارتباط ادبیات و نگارگری اشاره کرد و گفت: ادبیات یکی از مهم‌ترین جریان‌های فکری و هنری در طول تاریخ ایران بوده و یکی از نمودهای همنشینی ادبیات و نگارگری، خاوران‌نامه ابن‌حسام خوسفی است. وی با بیان اینکه بخش عمده‌ای از نقاشی ایرانی مدیون ادبیات فارسی (مثل شاهنامه) است که الهام‌بخش نقاشان بسیاری بوده، ابراز کرد: با تحول ادبیات فارسی، نگارگری هم دستخوش تغییر شد.

این پژوهشگر با اشاره شاهنامه فردوسی و ارتباط آن با نگارگری، اذعان کرد: شاهنامه اصلی‌ترین منبع نگارگری در ایران است. شادپیروز به جنبه روایی داشتن شاهنامه که زمینه را برای به تصویر کشیدن موضوعات فراهم کرده اشاره و اذعان کرد: وزن و آهنگ روایی شعر فردوسی در توصیف نبردها، صحنه‌هایی با حس و نیرومند به ذهن متبادر می‌کند؛ به همین دلیل تصویرگران را به شوق می‌آورد تا صحنه‌های نبرد را به تصویر بکشند.

وی با اشاره به اثرپذیری نگارگری از نمادها و صور خیال، گفت: نمادهایی با منشأ ادبی به

اذعان مکرر شاعران ایران زمین بر تقدس

ویژه حج و کعبه

را فتح کرد، به داخل کعبه رفت و به شکستن بت‌ها مشغول شد، به دست خود و علی (ع) تمام بت‌ها را درهم شکست و کعبه را از لوٲ وجود بتها پاک کرد، سنایی به این جریان اشاره کرده است؛

شرک پادار شد هلاکشی کن کعبه بتخانه گشت پاکش کن مر علی را تو این عمل فرماي کعبه از بت به حمله پاک کند مشرکین را همه هلاک کند

شاعران عارف پس از سنایی در اشاره به حج و کعبه نگاهی فراطاهری داشته‌اند. ازجمله مولانا در دیوان شمس سروده است:

ای قوم به حج رفته کجایید، کجایید معشوق همین جاست بیایید، بیایید معشوق تو همسایه و دیوار به دیوار در بادیه سرگشته، شما در چه هوایید؟! گر صورت بی صورت معشوق ببینید هم خواجه و هم خانه و هم کعبه شماמיד ده بار از آن راه بدان خانه فرفتید

یک بار از این خانه برین بام برآیید آن خانه لطیف است، نشان‌هاش بگفتید از خواجه آن خانه نشانی بنمایید یک دسته گل کو؟ اگر آن باغ بدیدیت یک گوهر جان کو، اگر از بحر خدایید؟ با یک همه آن رنج شما گنج شما باد

افسوس که بر گنج شما، پرده شماید مولانا حج را منحصر به ظواهر و انجام مرسومات نمی‌دانسته، بلکه بر این باور است که حج ساحت‌هایی فراتر از نمودهای ظاهری و اعمال قالبی دارد و آن ملاقات خداوند است. پیام مولانا این است که تنها در بدنه و پیکر عبادات نما نی‌م.

سعدی نیز در گلستان حکایاتی متعدد درباره حج دارد و ازجمله آورده است: «(درویشی را دیدم سر بر آستان کعبه همی مالید و می‌گفت: یا غفُو! یا رحیم! دو دانی که از ظلوم جهول چه آید:

بر در کعبه سائلی دیدم که همی‌گفت و می‌گرتستی خوش می‌نگویم که طاعتم بپذیر قلم غفو بر گناهم کش

این روالت تا امروز ادامه یافته و شاعران در طول تاریخ آیات متعددی از گذشتگان را الگوبرداری کرده‌اند و از حافظ آموخته‌اند؛ بکنده از بیان گر به شوق کعبه خواهد رفت قدم سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور